

تحلیل روایت نقش تجربه خیانت بر اعتماد بین فردی و خانوادگی؛ مطالعه

موردی جوانان شهرستان زاهدان

۱) عبدالرسول حسینی فر (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول))

hasanifar@lihu.usb.ac.ir

۲) شکیب ضریبی قلعه حمامی (دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشکده

ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان)

shakibzarbi81998@gmail.com

۳) اقلیما کرد (دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم

انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان) eghlimakord@gmail.com

### چکیده

این پژوهش در پی مطالعه نقش تجربه خیانت عاطفی و جنسی ذیل روابط زناشویی و عاطفی بر اعتماد افراد است. بدیهی است که ارتکاب خیانت توسط یکی از افرادی که خود را متعهد به وفاداری در رابطه زناشویی و عاطفی کرده است، می تواند منجر به آسیب های فردی و اجتماعی قابل توجهی برای طرفین شود. از آنجایی که خلاء ناشی از مطالعه این پدیده در شهرستان زاهدان بنابه شرایط خاص فرهنگی و قومی بوضوح احساس می شد، این پژوهش در پی مطالعه نقش خیانت بر اعتماد از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۳۲ نفر از جوانان شهرستان زاهدان برآمد. این پژوهش بنابه خلاء مطالعه زمینه های خیانت عاطفی و جنسی در شهر زاهدان با مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۳۲ نفر از جوانان شهرستان زاهدان انجام شد. این پژوهش به روش تحلیل روایت و مطابق روش پروان و کلارک و با در نظر داشتن هم زمانی گردآوری اطلاعات و تحلیل انجام شده است. آنچه از این پژوهش بدست آمد بر این نکته تاکید می کند که خیانت ممکن است در روابطی که بر پایه احساسات متزلزل و گذرا شکل گرفته اند و یکی از طرفین از ضعف های شخصیتی و روانی رنج می برد، اتفاق بیافتد. همچنین بروز رفتارهای غیرعادی که شک را در شریک عاطفی برمی انگیزد، او را مجاب به خودکنترلی در قبال خیانت شریکش می کند. نهایت امر، فرد خیانت دیده با اعتمادی خدشه دار شده، توانایی اعتماد خود را به افراد تا حدود زیادی از دست می دهد و دچار بدینی و تشکیک نسبت به افراد می شود؛ ضمن اینکه رابطه عاطفی درگیر با خیانت با اختلالاتی جدی و حتی جدایی و طلاق ممکن است رو به رو شود.

کلمات کلیدی: خیانت عاطفی، خیانت جنسی، اعتماد، شهرستان زاهدان، تحلیل روایت.

## **Narrative Analysis Of The Impact Of Betrayal Experience On Interpersonal And Familial Trust: A Case Study Of Youth In Zahedan County**

- 1- [Abdolrasool Hasanifar](#)
- 2- Shakib zarbigdalehamami
- 3- Eghlima Kord

1- Associate Professor, Department of social science, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran, [Hasanifar@lihu.usb.ac.ir](mailto:Hasanifar@lihu.usb.ac.ir)

<sup>2</sup> master of Sociology, University of Sistan and Baluchestan, [shakibzarbi81998@gmail.com](mailto:shakibzarbi81998@gmail.com)

<sup>3</sup> master of Sociology, University of Sistan and Baluchestan, [eghlimakord@gmail.com](mailto:eghlimakord@gmail.com)

### **Abstract**

This research aims to investigate the role of emotional and sexual betrayal within marital and emotional relationships on individuals' trust. It is evident that the commission of betrayal by an individual committed to loyalty in marital and emotional relationships can lead to significant personal and societal damages for both parties. Given the noticeable gap in studying this phenomenon in Zahedan County, which is influenced by specific cultural and ethnic conditions, this research seeks to explore the role of betrayal on trust through semi-structured interviews with 32 young individuals in Zahedan County. This research was carried out by the method of narrative analysis and according to the method of Braun and Clarke, keeping in mind the simultaneous collection of information and analysis. The findings highlight that betrayal may occur in relationships built on unstable and transient emotions, with one party experiencing personal and psychological weaknesses. Additionally, the occurrence of abnormal behaviors that arouse suspicion in the emotional partner prompts self-control regarding betrayal. Ultimately, individuals who have experienced betrayal have their trust significantly compromised, leading to skepticism and distrust towards others. Moreover, emotional relationships involving betrayal may face serious disruptions, including separation and divorce.

**Keywords:** Emotional Betrayal, Sexual Betrayal, Trust, Zahedan County, Narrative Analysis.

## (۱) بیان مسئله

خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی و شامل گروهی از افرادی است که با ارتباطات خویشاوندی، مستقیماً پیوند یافته‌اند و اعضای آن متعهد به عهد و پیمان‌هایی هستند که قبل از ازدواج بسته‌اند (علوی‌زاده و شاکریان، ۱۳۹۵). زندگی مشترک نیز مانند هر امر و پدیده‌ای دیگر، آسیب‌ها و آفت‌های خاص خود را دارد و یکی از این آسیب‌های بزرگ و عمده زندگی مشترک، شکل‌گیری خیانت یا روابط فرازناشویی است.

خیانت را می‌توان به عنوان نقض هنجارهای رابطه از نظر صمیمیت عاطفی یا فیزیکی با دیگران خارج از یک رابطه عاشقانه تعریف کرد (دریگوتاس و بارتا<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). خیانت می‌تواند اثرات مخربی بر روابط، با ایجاد یا افزایش پریشانی شخصی داشته باشد و یکی از رایج‌ترین دلایل ذکر شده برای طلاق است (آماتو و پرویتی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). خیانت به هرگونه رابطه جنسی یا ارتباط عاطفی خارج از چارچوب روابط زناشویی به صورت مخفیانه که تهدیدی برای زندگی زناشویی محسوب شود، می‌گویند (نریمان و همکاران، ۱۳۹۹).

خیانت عاطفی و جنسی موضوعی حیاتی و جدی برای زوجین و خانواده‌ها و همینطور مسئله‌ای رایج برای درمانگران حوزه خانواده است. اگرچه ممکن است ارتباط با شخصی غیر از شریک عاطفی یا همسر به صورت جسمانی یا عاطفی باشد، اما نهایتاً زمان صرف شده بین یکی از زوجین با فردی خارج از رابطه، برای زندگی زناشویی و یا رابطه عاطفی مساله خواهد بود (لشگری و مهدوی، ۱۳۹۷).

وقتی زوجین با نیازهای عاطفی بی‌پاسخی روبه‌رو می‌شوند و مدتی هم بنا به دلایل متفاوتی از هم دور می‌مانند، امکان حضور فرد دیگری که می‌تواند آن‌ها را پر کرده و به نیازها پاسخ دهد، بیشتر می‌شود. آنچه وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند، احساس فرد نسبت به شخصی است که نیازهای عاطفی‌اش را برطرف می‌کند، یعنی ممکن است دل‌بستگی عاطفی شدید پیدا کند و این احساس نیز رفتار و عکس‌العمل‌های او را از اختیارش خارج کند (فلاحیان و همکاران، ۱۳۹۸؛ نریمان و همکاران، ۱۳۹۹).

از جمله اینکه رفتاری خیانت محسوب می‌شود یا نه، به نوع رفتار مورد نظر و ویژگی‌های افراد در یک رابطه بستگی دارد (آیمی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹). بیشتر تحقیقات خیانت را در دو محور اصلی مورد بحث قرار می‌دهند: خیانت جنسی و عاطفی (بلو و هارتنت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵)، که اشاره به تماس فیزیکی جنسی یا وابستگی عاطفی به کسی که شریک زندگی خود نیست، می‌باشد. با این حال، برخی از محققان تفاوت‌ها را در درک رفتارهای دیگر از نظر خیانت بررسی کرده‌اند. برای مثال،

1 - Drigotas, S. M., & Barta, W

2 - Amato & Previti

3- Aimee

4 - Blow & Hartnett

ویلسون و همکارانش (ویلسون، متینگلی، کلارک، ویدلر و بکت، ۲۰۱۱) مقیاسی را ایجاد کردند که در آن ادراک رفتارهای مبهم و فریبنده، مانند رقصیدن با شخص دیگری یا دروغ گفتن به شریک زندگی و همچنین رفتارهای صریح را بررسی می‌کرد؛ مانند رابطه جنسی دهانی با شخص دیگری. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که این سه نوع رفتار (ابهام‌آمیز، فریبنده، و صریح) همگی به عنوان خیانت تلقی می‌شوند، اما به روش‌های مختلف توسط افراد مختلف. پیش از این، ویتی<sup>۶</sup> (۲۰۰۳) دریافت که شرکت کنندگان خیانت را به سه نوع اصلی، از جمله خیانت جنسی، خیانت عاطفی و استفاده از پورنوگرافی طبقه بندی کردند. به طور کلی، ویتی دریافت که رفتارهای مرتبط با استفاده از پورنوگرافی کمترین احتمال را برای خیانت دارند، اما رفتارهای کامپیوتری مانند سکس سایبری مشابه رفتار جنسی رو در رو و نه به عنوان شکل جداگانه‌ای از خیانت در نظر گرفته می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که خیانت فیزیکی یا عاطفی لازم نیست در موقعیت‌های چهره به چهره رخ دهد تا به عنوان خیانت تلقی شود. در واقع، حداقل ۸۰٪ از افرادی که سناریوهایی در مورد خیانت آنلاین داده‌اند، نشان دادند که این رفتار به عنوان یک عمل خیانت تلقی می‌شود (ویتي، ۲۰۰۵؛ اسکندر و آدم<sup>۷</sup>، ۲۰۱۷). در یک مطالعه، اشنايدر<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که از ۳۴ شرکت کننده که خیانت آنلاین را تجربه کرده بودند، ۳۰ نفر احساس کردند که این رفتار بر روابط واقعی آنها تأثیر منفی گذاشته است. اکثر شرکت کنندگان از دست دادن اعتماد را گزارش کردند، زیرا بسیاری از آنها تحت تأثیر فریب شریک زندگی خود قرار گرفتند. علاوه بر این، اشنايدر (۲۰۰۰) در مصاحبه با افرادی که شرکای‌شان درگیر خیانت آنلاین شده بودند، دریافت که تقریباً یک چهارم شرکت کنندگان از آن زمان از شریک زندگی خود جدا شده یا طلاق گرفته‌اند.

درک خیانت نیز به ویژگی‌های فردی بستگی دارد. برخی تحقیقات نشان داده‌اند که به طور کلی، خیانت بیشتر از زنان قابل قبول است، اما مردان و زنان به خیانت جنسی و عاطفی به طور یکسان نگاه می‌کنند (شپرد، نلسون و آندرولی ماتی<sup>۹</sup>، ۱۹۹۵). با این حال، سایر محققان دریافته‌اند که مردان و زنان انواع مختلف خیانت را متفاوت می‌بینند، به طوری که مردان تمایل دارند خیانت جنسی را ناراحت کننده‌تر بدانند، در حالی که زنان خیانت عاطفی را ناراحت کننده‌تر می‌دانند (باس و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۲؛ بریس و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴؛ منگوم و ولز<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱؛ شکلفورد، باس و بنت<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۲؛ ترگر و اسپرچر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۱).

5 - Wilson, K., Mattingly, B. A., Clark, E. M., Weidler, D. J., & Bequette, A. W.

6 - Witty

7 - Schnarre & Adam; Whitty

8 - Schneider

9 - Sheppard, V. J., Nelson, E. S., & Andreoli-Mathie

10 - Buss et al

11 - Brase, Adair, & Monk

12 - Cann, Mangum, & Wells

13 - Shackelford, Buss, & Bennett

14 - Treger & Sprecher

مطالعات نشان داده‌اند که حالت روحی و احساساتی که از رویدادهای بی‌ارتباط بوجود می‌آیند، تأثیری بر اعتماد یک فرد نسبت به یک غریبه دارند. بنابراین، احساساتی که از یک رویداد مرتبط با اعتماد، به عنوان مثال خیانت، بوجود می‌آید، می‌تواند تأثیر چشمگیری بر اعتماد یک فرد نسبت به یک غریبه داشته باشند (وینگ و مارکوس<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۵). بطور کلی عواقب ناشی از وقوع خیانت را می‌توان در دو بخش شناسایی کرد. نخست تأثیرات عاطفی و سپس از دست دادن توانایی اعتماد به مردم. این تجربه به میزان کمتری شبیه به یک حادثه تروماتیک است. حقیقت این است که خیانت می‌تواند عواقب عاطفی منفی را ایجاد کند و این در برخی از مطالعات گزارش شده است. اول، نقض یک قرارداد روانی می‌تواند به عنوان یک شکل از خیانت تلقی شود زیرا شامل هر دو عنصر اعتماد و انتظار است که طرف دیگر وظایف خود را انجام دهد (وینگ و مارکوس، ۲۰۱۵). وقتی فردی مشاهده می‌کند نقض قرارداد روانی به طور عمد توسط طرف دیگر در شرایط نامنصفانه انجام می‌شود، او احساس نارضایتی شدیدی می‌کند (رابینسون و ماریسون<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۰).

نارضایتی و ناامیدی به شخص اطلاع می‌دهد که حفظ رفتار یا تصمیم فعلی موجه نیست. شواهد تجربی نشان داده‌اند که احساسات منفی بر تصمیمات و قضاوت‌ها تأثیر می‌گذارد. هنگامی که یک شخص تحت تأثیر احساسات منفی قرار می‌گیرد، تمایل دارد تا از تصمیم‌گیری خودداری کند. در مورد خیانت، این بدان معنی است که شخص هرگاه ممکن باشد تصمیم به اعتماد به فرد دیگری را به تعویق می‌اندازد (لوس<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۴). لذا منطقی است اگر ادعا کنیم تجربه خیانت تأثیر منفی بر اعتماد شخص به فرد دیگری خواهد داشت (وینگ و مارکوس، ۲۰۱۵). خیانت دیدن باعث تغییرات عمده‌ی فیزیولوژیک نیز در سیستم اعصاب و روان و فعالیت شناختی می‌شود. برانگیختگی شدید، گوش‌به‌زنگی، بیقراری، اضطراب مدام و مشکل در خوابیدن، از خواب پریدن‌های چندباره، حساسیت به سروصدا، مرور مکرر خاطرات و تصورات گذشته، رویاهای خشونت‌بار در خواب و گم‌کردن زمان و مکان در بیداری از جمله واکنش‌های فیزیولوژیک در افراد خیانت‌دیده است (اسپرینگ، آ و اسپرینگ، م<sup>۱۸</sup>، ۱۳۹۳).

کاملاً محتمل بنظر می‌رسد که فرد خیانت‌دیده اعتماد خود را به هر رابطه دیگری هم از دست بدهد. همچنین در روند درمان و برقراری مجدد اعتماد، برگشت اعتماد عموماً طولانی و دشوار خواهد بود و ممکن است کامل انجام نگیرد و حتی غیر قابل جبران باشد (گرینبرگ و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۰). کاهش و سلب اعتماد در روابط عاطفی، بالاخص در روابط زناشویی، علاوه بر اینکه تداوم رابطه زوجین را متزلزل می‌کند، صمیمیت را نیز کاهش داده، نگرانی و تنش روحی به بار آورده و احساس امنیت نسبت به همسر را خدشه‌دار می‌کند. ضمن اینکه پیامدهای مخربی نیز برای فرزندان، اطرافیان و حتی جامعه در بردارد؛ در نتیجه فرصت را برای

15- Wing & Marcus

16 - Robinson & Morrison

17 - Luce

18 - Spring. A & Spring. M

19 - Greenberg, L. J., Warwar, S., & Malcoolm, W

توسعه احساس امنیت با چالش رو به رو می‌کند (ویلیامز<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۲). ایجاد وضعیتی توأم با ناباوری و شک و تردید میان همسران، طرفین را در وضعیت سختی قرار می‌دهد. تصور تکرار مجدد خیانت برای همسر خیانت‌دیده شرایط ناخوشایندی را ایجاد می‌کند (کاوه، ۱۳۸۷). کلاین و همکارانش<sup>۲۱</sup> (۲۰۲۱) در پژوهش‌شان نیز ثابت کردند که تئوری ترومای خیانت بیان می‌کند که آسیب‌های بین فردی به ویژه زمانی آسیب‌زا هستند که مرتکب فردی باشد که قربانی، قبلاً به او اعتماد داشته و به او نزدیک بوده است. یک عامل محافظتی مرتبط برای بررسی، حمایت اجتماعی است که ممکن است از طریق تأثیر آن بر تنظیم هیجان، بر علائم PTSD - علائم و نشانه‌های استرس پس از سانحه - تأثیر بگذارد.

در این پژوهش، نظر به اهمیت مطالعه و بررسی مسئله خیانت در بستر خانواده، در پی پاسخ به پرسش‌هایی با محوریت نقش تجربه خیانت در اعتماد بینافردی و خانوادگی می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش، درک میزان کاهش اعتماد اجتماعی افراد پس از تجربه خیانت شریک عاطفی و جنسی است.

## ۲) پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش وینگ و مارکوس (۲۰۱۵) نشان داد که تجربه خیانت با احساسات منفی مانند خشم، ناراضی بودن و شرم همراه است و خیانت، منجر به احساسات منفی می‌شود. از طرف دیگر، نتایج نشان داد که حادثه‌ی خیانت توسط یک غریبه، تأثیری بر روی میل به اعتماد به شخص دیگری خواهد داشت. همچنین، طبق مشاهدات آنها تمام افراد با یک شیوه در تصمیم‌گیری در خصوص اعتماد به شخص دیگر پس از تجربه‌ی خیانت، عمل نمی‌کنند. آنها دریافتند که شخصیت افراد در خصوص احساسات، تأثیری بر روی ارتباط بین خیانت و تغییر اعتماد در آینده دارد.

پژوهش‌های بسیاری در پی مطالعه و بررسی دلایل افراد برای خیانت به شریک عاطفی و جنسی صورت گرفته است که بطور کلی به عواملی مانند نارضایتی از رابطه زناشویی فعلی، برآورده نشدن نیازها ذیل آن رابطه، احساس نیاز به گسترش خویشتن، احساس تنهایی در رابطه، تنوع طلبی یا هیجان‌خواهی جنسی، انتقام، خشم و یا حسادت، احساس عدم امنیت یا عدم اطمینان در رابطه، نیاز به همنشینی و صمیمیت بیشتر، بلوغ نیافتگی و کمبود تعهد، علاقه‌ی زیاد به داشتن رابطه عاشقانه با فردی خارج از رابطه فعلی، نارضایتی جنسی، افزایش و بهبود عزت نفس، ناتوانی در کنترل و مدیریت وسوسه‌ها، مورد بی‌توجهی قرار گرفتن، در دسترس نبودن همسر

20 - Williams

21 - Kline, N. K., & Palm Reed, K. M.

و مصرف دارو، الکل یا موادمخدر (مافوسا و همکاران<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۷؛ لواندوسکی و آکرمن<sup>۲۳</sup>، ۲۰۰۶؛ روکاخ و فیلیبرت<sup>۲۴</sup>، ۲۰۱۵؛ دریگوتاس و همکاران<sup>۲۵</sup>، ۱۹۹۹؛ فلدمن و کافمن<sup>۲۶</sup>، ۱۹۹۹).  
شکلفورد و همکارانش<sup>۲۷</sup> (۲۰۰۰) در پژوهش خود ابراز کردند که همسرانی که تجربه خیانت دیدن دارند، در مسائل عاطفی، روانی و جسمانی با مشکلات عدیدی روبه رو می‌شوند و واکنش آن‌ها در قبال این پدیده روبه رویی با مشکلات روانی شدید مانند احساس خشم و گناه، یاس، از دست دادن اعتماد، لطمه خوردن عزت نفس و دوره‌های طولانی افسردگی و اضطراب می‌باشد.

همچنین در پژوهش شریفی ساعی (۱۴۰۲) که طی مطالعه‌ای فراترکیبی، بیش از ۷۸ پژوهش در رابطه با پیامدهای خیانت زناشویی را بررسی کرده است نیز به این نکته اشاره کرده است که «آشناختگی‌های شناختی» و «تغییر ارزش‌های قربانی» از جمله پیامدهای شناختی خیانت، «جدایی عاطفی»، «پاسخ‌های انتقامی» و «احتمال طلاق» زوجین از جمله پیامدهای خانوادگی و «احساس ناامنی»، «احساس بی‌اعتمادی» و «آسیب به شبکه اجتماعی فرد» از دشته پیامدهای اجتماعی خیانت بشمار می‌رود.

نظر به تحقیقات پیشین، مسئله زیربنایی در این پژوهش این است که چگونه خیانت عاطفی و جنسی منجر به بی‌اعتمادی بین فردی و خانوادگی می‌شود. هرچند خیانت در اغلب کشورها و شهرها، حجم قابل توجهی از تحقیقات را به خود اختصاص داده اما شرایط خاص شهرستان زاهدان از حیث شرایط فرهنگی، مذهبی و موقعیت اجتماعی آن مانع از انجام مطالعات کافی و جامع در این زمینه شده است. همچنین غالب پژوهش‌های این حوزه به بررسی کمی متغیرهای مرتبط با روابط فرازناشویی پرداخته‌اند و این پدیده کمتر به صورت عمیق و کیفی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. نهایتاً اینکه با توجه به افزایش آمارهای مربوط به خیانت عاطفی و جنسی در جوامع مختلف، بدیهی است که این پدیده بایستی با جدیت و دقت بیشتری در بافت فرهنگی و مذهبی شهرستان زاهدان مورد مطالعه و تبیین قرار بگیرد تا بتوان راهکارهای بومی‌شده و مناسبی را ارائه داد که هم به پیشگیری از این پدیده کمک کند و هم درمانگران را در مسیر همدلی و درک بیشتر چنین مراجعانی یاری رساند.

### ۳) سوالات تحقیق

آنچه این پژوهش در پی آن است، پاسخ به این سوال است که تجربه خیانت چه نقشی در کیفیت اعتماد افراد به یکدیگر بخصوص در فضای خانواده می‌تواند داشته باشد. عملاً فرد

22 - Maphosa, S., Mutandwa, ph., & Nyamayaro, A

23 - Lewandowski, G. W., & Ackerman, R. A

24 - Rokach A, Philibert-Lignières G

25 - Drigotas, S. M., & Barta, W

26 - Feldman, S., & Cauffman, E

27 - Shackelford, Buss, & Bennett

خیانت‌دیده بعد از چنین تجربه‌ای چه سطح از اعتماد را نسبت به شریک عاطفی یا جنسی خود و سایر افرادی که با آن‌ها در ارتباط است، خواهد داشت.

#### ۴) مرور نظری

نظریه‌های روانشناسی اجتماعی به عنوان یک حوزه از روانشناسی مدرن، تأکید دارند که فهم رفتارهای اجتماعی باید با توجه به تعاملات افراد با محیط اجتماعی و فرهنگی آن‌ها انجام شود.

در این زمینه، می‌توان به برخی نظریه‌ها و مدل‌ها اشاره کرد که توضیحاتی درباره نقش خیانت در اعتماد ارائه داده‌اند:

##### ۱) نظریه پیوستگی اجتماعی

نظریه پیوستگی اجتماعی تأکید دارد که افراد به دنبال ایجاد و حفظ روابط مثبت و پایدار با دیگران هستند. در این سیاق، خیانت ممکن است به تخلف از این پیوستگی و تعهد منجر شود، که در نهایت بر اعتماد به همسر یا روابط خانوادگی تأثیر می‌گذارد (بالبی، ۲۸، ۱۹۷۳).

##### ۲) نظریه انتظارات اجتماعی

این نظریه مدعی است که رفتارهای اجتماعی افراد به شدت تحت تأثیر انتظارات دیگران قرار دارند. در مورد خیانت، اگر فرد انتظار داشته باشد که همسر یا شریک عاطفی به او وفادار باشد و این انتظار تخلف شود، اعتماد افراد به همسر یا شریک کاهش می‌یابد (راسبولت ۲۹ و همکاران، ۱۹۹۸).

##### نظریه تعامل اجتماعی

نظریه تعامل اجتماعی تأکید دارد که رفتارها و تعاملات افراد در محیط اجتماعی به شدت تحت تأثیر قرار دارند. در این زمینه، خیانت به عنوان یک اختلال در تعاملات افراد میان فردی در نظر گرفته می‌شود. تخلف از تعهد به یکدیگر و نقض اصول اخلاقی در ارتباطات می‌تواند به تغییر دینامیک‌های اجتماعی منجر شود و اعتماد را تخریب کند (کلی ۳۰ و همکاران، ۱۹۸۳).

#### ۵) روش پژوهش

---

28 - Bowlby, J.

29 - Rusbult, C. E., Martz, J. M., & Agnew, C. R.

30- Kelley



این تحقیق به دنبال مطالعه نقش خیانت عاطفی و جنسی در اعتماد اجتماعی است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی و به شیوه تحلیل روایت انجام شده است. روایت شامل ویژگی‌های خاصی است که استفاده از آن را در تحقیقات اجتماعی مناسب می‌سازد. سازمان‌دهی خطی رویدادها شامل یک آغاز محتوای ادامه یابنده و نقطه پایان (تامپسون<sup>۳۱</sup>، ۱۹۸۷) و همچنین ماهیت فرایندی روایت (گریفین<sup>۳۲</sup>، ۱۹۹۸)، امکان بررسی روندهای اجتماعی را فراهم می‌کند. پدیده‌های اجتماعی از آنجا که متصل به زیربنا و روبناهای تعیین کننده‌اند، مناسب تحلیل روایت هستند. تحلیل روایت امیک و از درون است. ظهور ساختار روایی و فرایندی از مطالعه روایت‌ها سبب می‌شود اعتباری ویژه جهت فهم درک و بازسازی روایت بر اساس مفاهیم پنهان در آن ایجاد شود؛ بیش از آنکه نظریات صوری و بیرونی آن را معنا کنند.

مونهال تحلیل روایت را نوعی از پژوهش کیفی تعریف می‌کند که مجموعه‌ای از روایات را به عنوان منبع داده‌های خود بر می‌گیرند.

این داستان‌ها روایتی از تجارب زندگی مردم است که توسط آن‌ها در مورد خودشان با به واسطه دیگران در مورد افرادی دیگر نقل می‌شود اما تحقیق روایتی فقط مفاهیمی را که افراد به تجارب‌شان می‌دهند، کشف نمی‌کنند؛ بلکه این نکته را روشن می‌کند که چگونه زبان بازگو کننده و بازتابی از دنیای اجتماعی آدم‌هاست. داستان‌ها گاه به شکلی آگاهانه و اغلب ناخودآگاه مفاهیم تعهدات باورهای غالب و ارزش‌های زمانی و مکانی را از محلی که فرد در آنجا زندگی کرده و هویتش شکل گرفته آشکار می‌کنند (نعمتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۷).

روش مورد استفاده این شیوه پژوهش مصاحبه روایی و روش تحلیل آن از میان چهار حوزه تحلیل مضمونی، ساختاری، مکالمه‌ای و دیداری (ریزمن<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۱)، تحلیل مضمونی است. هر مضمونی از چند واحد با زیر مجموعه با نام زیر مضمون تشکیل شده است و هر زیر مضمون در برگیرنده چند مفهوم است (براون و کلارک<sup>۳۴</sup>، ۲۰۱۱).

برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری نظری و حداکثر تنوع (جنسیت، سن، تحصیلات، شریک جنسی یا عاطفی) استفاده شده است. بدین ترتیب مصاحبه با ساکنین شهرستان زاهدان که تجربه مورد خیانت واقع شدن و یا خیانت کردن داشته و اطلاعات غنی و زیادی در راستای خلق مدل مفهومی تحقیق ارائه دادند، انجام شد.

گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی عمیق و نیمه‌ساختار یافته در سال ۱۴۰۱ طی یک بازه زمانی ۵ ماهه انجام شده است. معمولاً پژوهشگر، مصاحبه‌هایی در حدود ۱:۳۰ الی ۴ ساعت در میدان تحقیق انجام داد. راهنمای سؤالات مصاحبه به فراخور شرایط و فرایند مصاحبه گاهی کم یا زیاد شدند و در صورت نیاز از مشارکت‌کننده سؤالات بیشتری پرسیده می‌شد.

31 -Thompson

32- Griffin

33-Riesman

34- Braun V & Clarke

همکاری مشارکت کنندگان در مصاحبه آزادانه و با کسب رضایت‌شان انجام شد و در ابتدای مصاحبه تمامی حقوق به مشارکت‌کنندگان توضیح داده شده و سپس با رضایت آن‌ها مصاحبه آغاز شد.

در این تحقیق، اشباع نظری نقطه‌ی پایانی برای حجم نمونه و گردآوری داده‌ها در نظر گرفته شده است. نمونه‌ی این تحقیق پس از مصاحبه با ۳۲ نفر از افراد آسیب‌دیده از خیانت در شهرستان زاهدان به اشباع نظری رسید. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش طی فرایند نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند، بدین صورت که بعد از مصاحبه با هر فرد، در رابطه با فردی که شرایط مشابهی - خیانت عاطفی یا جنسی - را تجربه کرده باشد، پرس و جو می‌شد و نهایتاً شبکه‌ای از افرادی که چنین تجربه مشابهی را داشتند، شکل گرفت تا در این پژوهش مشارکت لازم را داشته باشند. همچنین بخش قابل توجهی از مشارکت‌کنندگان را افرادی تشکیل دادند که محققین - بدلیل وجود ارتباط دوستانه یا خانوادگی و ... - در ارتباط با تجارب آن‌ها در زمینه مورد مطالعه اطلاع داشتند و با ارائه درخواست رسمی ضمن رعایت کامل حقوق مصاحبه‌کنندگان، با آن‌ها سوالات مربوط به مصاحبه در میان گذاشته شد. در واقع حساسیت موضوع مورد مطالعه و پیشبینی امکان مرور تجارب دردناک مشارکت‌کنندگان ذیل پاسخ به سوالات، تمام تلاش پژوهشگران بر این بود تا تمام جوانب لازم در انتخاب افراد، زمان مصاحبه، چگونگی انجام مصاحبه و نحوه تنظیم و پرسش سوالات لازم رعایت شود. از طرفی، تلاش شد تا همزمان خیانت شکل گرفته ذیل رابطه زناشویی و یا روابط عاطفی خارج از ازدواج مورد مطالعه قرار بگیرد.

در فرایند انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها پژوهشگر متوجه انباشت و تکمیل اطلاعات از سوی مشارکت‌کنندگان مختلف شد تا اینکه از مصاحبه‌ی نفر بیست و پنجم به بعد محقق متوجه شد اطلاعات چندانی به یافته‌های قبلی افزوده نمی‌شود و اطلاعات مرتب تکرار می‌شوند.

شیوه تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر (مضامین) مطابق روش بروان و کلارک (۲۰۰۶) و با در نظر داشتن هم‌زمانی گردآوری اطلاعات و تحلیل شامل مراحل ذیل است: آشنایی با متن، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، مرور و تعریف مضامین با استفاده از مفاهیم شکل دهنده آن‌ها و در نهایت گزارش یافته‌ها.

این مطالعه برای تأمین اعتبار مبنی بر آنکه محقق همان چیزی را می‌بیند که با واقعیت تجربی منطبق است و نیز برای دیگران آشکار است (فلیک<sup>۳۵</sup>، ۱۳۸۷)، از استراتژی کنترل توسط مشارکت‌کنندگان استفاده و به دنبال مطلوبیت بازنمایی مفاهیم و مضامین به دست آمده از منظر مشارکت‌کنندگان بوده است (کرسول<sup>۳۶</sup>، ۱۳۹۷). همچنین در راستای معیار باورپذیری این پژوهش از استراتژی گفتگو با هم‌تایان استفاده شده است. به آن معنا که در گفت و شنود

35- Felick

36 - Cereswel

مستمر با افراد صاحب نظر و علاقه‌مند به پژوهش تلاش شد یافته‌های پژوهش مورد بحث قرار گیرد و نقاط کور پدیده مورد مطالعه روشن و حساسیت‌های مفهومی برآمده از آن مجدداً پیگیری شود.

در این پژوهش با ۳۲ نفر از شهروندان جوان شهرستان زاهدان که در بازه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال قرار داشتند، مصاحبه انجام شد. ۱۱ نفر از مشارکت‌کنندگان مرد و ۲۱ نفر زن بودند که از بین آن‌ها ۱۰ نفر متأهل و ۲۲ نفر نیز مجرد بودند. شریک جنسی ۷ نفر از مشارکت‌کنندگان این پژوهش، همسرشان بوده، ۸ نفر شریک جنسی غیرهمسر و ۱۷ نفر بدون شریک جنسی بودند. همچنین ۲۵ نفر از مشارکت‌کنندگان دارای شریک عاطفی، ۳ نفر بدون شریک عاطفی و تنها شریک عاطفی ۴ نفر، همسرشان بود. ۲۳ نفر از مشارکت‌کنندگان دارای حداقل مدرک لیسانس و ۹ نفر دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و دکتری بودند. همچنین ۱۰ نفر از مشارکت‌کنندگان بیکار و یا خانه‌دار، ۱۷ نفر دارای مشاغل دولتی و یا آزاد و ۵ نفر نیز دانشجوی بودند.

شماره	جنسیت	سن	وضعیت تاهل	شریک جنسی	شریک عاطفی	تحصیلات	شغل	محل زندگی
۱	مرد	۲۲	مجرد	خیر	بله	لیسانس	آزاد	زاهدان
۲	زن	۲۹	متاهل	همسر	همسر	لیسانس	منشی	زاهدان
۳	زن	۲۰	مجرد	خیر	بله	فوق دیپلم	دانشجو	زاهدان
۴	زن	۲۲	مجرد	خیر	بله	فوق دیپلم	دانشجو	زاهدان
۵	زن	۲۶	مجرد	خیر	بله	فوق لیسانس	بیکار	زاهدان
۶	مرد	۲۴	مجرد	خیر	بله	لیسانس	بیکار	زاهدان
۷	زن	۲۹	مجرد	بله	بله	فوق لیسانس	بیکار	زاهدان
۸	زن	۲۸	متاهل	همسر	همسر	لیسانس	معلم	زاهدان
۹	زن	۲۶	مجرد	خیر	بله	لیسانس	دانشجو	زاهدان
۱۰	زن	۲۵	مجرد	خیر	بله	لیسانس	بیکار	زاهدان
۱۱	زن	۲۹	مجرد	بله	بله	لیسانس	دانشجو	زاهدان
۱۲	زن	۲۸	مجرد	خیر	بله	فوق لیسانس	آزاد	زاهدان
۱۳	مرد	۲۱	مجرد	خیر	بله	لیسانس	معلم	زاهدان
۱۴	زن	۲۱	مجرد	خیر	بله	فوق دیپلم	دانشجو	زاهدان
۱۵	زن	۲۱	مجرد	خیر	بله	فوق دیپلم	بیکار	زاهدان
۱۶	زن	۲۹	متاهل	بله	خیر	لیسانس	خانه دار	زاهدان
۱۷	مرد	۲۷	مجرد	خیر	بله	لیسانس	کارآفرین	زاهدان
۱۸	زن	۲۳	متاهل	بله	خیر	لیسانس	بیکار	زاهدان
۱۹	مرد	۲۸	مجرد	بله	بله	فوق لیسانس	کارمند	زاهدان
۲۰	زن	۳۰	متاهل	همسر	بله	فوق لیسانس	پرستار	زاهدان
۲۱	زن	۲۸	مجرد	خیر	بله	لیسانس	آزاد	زاهدان
۲۲	مرد	۲۹	متاهل	بله	خیر	فوق دیپلم	آزاد	زاهدان
۲۳	مرد	۲۶	متاهل	همسر	همسر	لیسانس	کارمند	زاهدان
۲۴	مرد	۲۴	مجرد	خیر	بله	فوق لیسانس	معلم	زاهدان
۲۵	زن	۲۹	متاهل	همسر	بله	فوق لیسانس	معلم	زاهدان
۲۶	مرد	۳۰	متاهل	همسر	بله	دکتری	استاد	زاهدان

۲۷	زن	۳۰	مجرد	خیر	بله	لیسانس	کارمند	زاهدان
۲۸	زن	۲۲	مجرد	بله	بله	فوق دیپلم	بیکار	زاهدان
۲۹	مرد	۲۵	مجرد	خیر	بله	لیسانس	معلم	زاهدان
۳۰	مرد	۲۸	مجرد	بله	بله	فوق لیسانس	مدرس	زاهدان
۳۱	زن	۲۸	متاهل	همسر	همسر	بیسواد	خانه دار	زاهدان
۳۲	زن	۲۰	مجرد	خیر	بله	دیپلم	بیکار	زاهدان

جدول شماره ۱: اطلاعات کلی مصاحبه‌شوندگان

## ۶) تحلیل یافته‌ها

روایت نقش خیانت جنسی و عاطفی در اعتماد اجتماعی در این پژوهش بیان می‌کند که چگونه خیانت جنسی و یا عاطفی باعث لطمه خوردن اعتماد شریک جنسی و یا عاطفی فرد و کاهش اعتماد اجتماعی وی می‌شود. این روایت با اتکا بر مضامینی مانند «احساسات متزلزل»، «تفاوت در نگرش و نیازهای افراد»، «ضعف اخلاقی»، «تلاش جهت افزایش خود کنترلی» و «اختلال در روابط» شکل گرفته است.

تحلیل روایت نقش خیانت جنسی و عاطفی در اعتماد اجتماعی	
مقدمه	احساسات متزلزل: اعتماد بر پایه تصمیمات احساسی و غیرمنطقی، خوش بینی افراطی به افراد ضعف شخصیتی و روانی: تنوع طلبی، خلا عاطفی و جنسی
ورود	بروز رفتارهای غیرمعقول: انجام رفتارهای غیرمنطقی، دروغ گویی و پنهان‌کاری
محتوا	تلاش جهت افزایش خود کنترلی: کنترل واکنش هیجانی و عصبی، احتیاط در اعتماد کرد به سایرین، بازبینی نحوه برقراری ارتباط
خاتمه	اختلال در روابط: ترجیح جدایی بر دوام رابطه، شکلگیری ذهنیت شکاک در فرد خیانت دیده، تغییر نگرش کلی افراد نسبت به روابط عاطفی

جدول ۲: یافته‌های پژوهش تحلیل روایت نقش خیانت در اعتماد

### مقدمه

بنیاد سست یک رابطه عاطفی تاحدودی می‌تواند معلول احساسات متزلزل و غیرمنطقی‌ای باشد که آن رابطه به پشتوانه آن‌ها شکل گرفته است. آنچه در این پژوهش بدست آمد بر این نکته تاکید می‌کند که «اعتماد بر پایه تصمیمات احساسی و غیرمنطقی» و «خوش‌بینی افراطی به افراد» به میزان زیادی می‌تواند منجر به سست‌شدن بن و ریشه یک رابطه، گسیختن رابطه عاطفی شده و نهایتاً بستر لازم را برای ورود به رابطه‌ای جدید شکل دهد.

اعتماد غیرمنطقی و احساسی که می‌تواند زمینه‌ساز شکست عاطفی باشد، به تنهایی نقش زیادی در عدم موفقیت یک رابطه ایفا می‌کند. اعتماد ناشی از احساسات که آنچنان بر عقل و

منطق مبتنی نیست، بیشتر ممکن است در دوران نوجوانی و اوایل جوانی شکل بگیرد. در همین رابطه مشارکت‌کننده زن ۲۰ ساله مجرد می‌گوید:

«اینکه قلبا احساس کم طرف مقابلم مرا دوست دارد، به او اعتماد می‌کنم. غالبا چنین احساسی برای اعتماد کردن برایم کافی است».

دیگر نکته‌ای که می‌توان آن را بعنوان یک ویژگی و یا خصلت شخصیتی دانست که فرد به فرد می‌تواند متغیر باشد، خوش‌بینی افراطی افراد به سایرین است. همانطور که مفهوم مخالف آن یعنی بدبینی افراطی نیز در کلام و رفتار بعضی از افراد قابل مشاهده است، خوش‌بینی افراطی نیز مشاهده شده و می‌تواند چالش‌هایی را در زندگی افراد ایجاد کند. در این پژوهش نیز ما با مسئله‌ساز بودن این ویژگی شخصیتی روبه‌رو شدیم. در همین رابطه مشارکت‌کننده زن ۲۶ ساله مجرد نیز می‌گوید:

«اساسا در روابط خودم نسبت به سایر افراد کاملا خوش‌بین هستم که متأسفانه از این جهت خیلی ضربه دیدم. رابطه‌ای که شکست در آن باعث شد تا زندگی برایم سخت شود، حاصل اعتماد عجولانه‌ای بود که از سر خوش‌بینی داشتم».

همچنین مشارکت‌کننده مرد ۲۱ ساله مجرد در ارتباط با اعتماد ناشی از خوش‌بینی می‌گوید:

«آنچه من از بابت آن در روابط عاطفی و کاری و حتی روابط دوستانه‌ام ضربه خورده‌ام، این بوده است که به آسانی اعتماد کردم».

درک ناپسند بودن این نکته که فردی علیرغم حضور در یک رابطه عاطفی با قید وجود و یا عدم وجود رابطه جنسی، خود را درگیر رابطه مشابهی دیگری با فرد دیگری کند، کار سختی نیست. مطابق یافته‌های این پژوهش که از نظرات مشارکت‌کنندگان بدست آمده است، این نکته واضح می‌شود که برخی از دلایلی که منجر به خیانت کردن یک فرد به رابطه‌ای که در آن حضور دارد، می‌شود مرتبط با ضعف‌های شخصیتی و روانی وی می‌باشد. این بخش از یافته‌ها که از مقولاتی مانند «تنوع طلبی» و «خلا عاطفی و جنسی» تشکیل شده است، در پی توضیح همین نکته است.

تنوع‌طلبی بالاخص در زمینه مسائل جنسی طبیعتا می‌تواند ناشی از مشکلات روانی یا جسمی باشد. بدیهی است که چه در زمینه پاسخ به نیازهای عاطفی و چه در رفع نیازهای جنسی، تنوع‌طلب بودن فرد امری غیرطبیعی است. مشارکت‌کننده زن ۲۲ ساله مجرد در رابطه با تنوع‌طلبی افراد می‌گوید:

«اگر فرد مقابل خیلی تنوع طلب باشد، از ابتدا نباید با او وارد رابطه شد. هیچ تضمینی وجود ندارد که اگر او فردی زیباتر، پولدارتر یا با جایگاه اجتماعی بهتری پیدا کند، همچنان به من وفادار بماند».

همچنین مشارکت‌کننده مرد ۲۴ ساله مجرد نظر خود را در مورد خلا عاطفی و جنسی افراد که منجر به خیانت می‌شود، می‌گوید:

«افراد بدون منطق و ضمن عدم تعهد و نداشتن فرهنگ صحیح خانوادگی و عدم سلامت فکری و باقی صفات، برای پوشاندن خلاهای درونی خود دست به خیانت می‌زنند».

واضح است که افراد تنوع‌طلبی شریک عاطفی و جنسی خود را ذیل رابطه نمی‌پذیرند و عمیقا این مسئله می‌تواند برای رابطه آن‌ها چالش‌ساز باشد. مشارکت‌کننده مرد ۲۸ ساله مجرد در این باره می‌گوید:

«نمی‌توانم این را بپذیرم که کمبود عاطفه و یا خلا جنسی می‌تواند دلیلی برای خیانت باشد، اما خودم به همین دلایل خیانت دیدم».

مشارکت‌کننده زن ۳۸ ساله متاهل نیز می‌گوید:

«تنوع‌طلب بودن فرد در داشتن روابط عاطفی متعدد با افرادی با ویژگی‌های مختلف تا حدودی قابل توجه است، اگرچه یک عیب و نقص شمر می‌رود اما تنوع‌طلبی جنسی یک فرد هرگز نمی‌تواند منطقی بنظر برسد و قطعاً یک بیماری است.»

## ورود

خیانت، یک شبه اتفاق نمی‌افتد. معمولاً قبل از اینکه خیانت کاملاً عیان شود، کلام و رفتار فرد آن را توضیح می‌دهد. آنگاه که فرد بنا به خلاءای که در زندگی شخصی خود احساس کرده و تصمیم به عهدشکنی می‌کند، این تصمیم وی در رفتار و گفتارش با شریک عاطفی و یا جنسی وی نمود پیدا می‌کند. آنچه که در این پژوهش توسط افراد خیانت‌دیده به آن تاکید شد، این مطلب بود که نخستین شک و تردیدها نسبت به شریک عاطفی از بدو تغییر و بروز رفتارهای غیرمنطقی و متفاوت وی بوجود آمده است. این بخش با تاکید بر مقولاتی مانند «انجام رفتارهای غیرمنطقی» و «دروغ‌گویی و پنهان‌کاری» سعی در توضیح این نکته دارد که بروز رفتارهای این‌چنینی چطور می‌تواند بذر شک و تردید را دل‌شریک عاطفی فرد بکارد و او را نسبت به خیانت حساس کند.

آن دسته از تغییر رفتارهای تدریجی و یا غیرمنطقی گاه می‌تواند در قالب استمداد گرفتن فرد از دروغ باشد. در همین راستا مشارکت‌کننده زن ۳۶ ساله متاهل می‌گوید:

«من دروغ را کلید مفاسد می‌دانم. اگر کسی بتواند دروغ بگوید، احتمالاً می‌تواند انواع دیگر فساد را نیز مرتکب شود. آنچه باعث شک من نسبت به همسر من شد، دروغ‌های متعددی بود که به من و خانواده‌ام گفت.»

گاهی نیز تغییر رفتارهای فرد می‌تواند در انفعال وی ذیل روابط زناشویی تعریف شود؛ بعنوان مثال مشارکت‌کننده زن ۳۳ ساله متاهل نیز می‌گوید:

«تغییر رفتار شوهرم نسبت به من کاملاً مرا به او مشکوک کرده بود؛ رفتارهایی مانند عدم تمایل به گفتگو، بی‌میلی عاطفی و جنسی، دیر آمدن به خانه و ...»

گاه نیز این تغییر رفتارها در تمامی لحظات زندگی زناشویی یا رابطه عاطفی بروز می‌یابد.

مشارکت‌کننده زن ۳۰ ساله مجرد می‌گوید:

«برخی رفتارهای عجیب از سوی شریک عاطفی‌ام مانند بی‌توجهی، نوع پوشش، تعاملات اجتماعی با برخی افراد ناشناس، اعتیاد و حساسی که به برخی از خانم‌ها داشت، کاملاً شک مرا به یقین تبدیل کرد که او در حال خیانت به من است.»

نهایت امر، تداوم و افزایش تدریجی رفتارهای نامتعارفی که نشان از گذر فرد از رابطه فعلی به سوی یک رابطه دیگر است، باعث شکلگیری تناقضات رفتاری و کلامی متعددی در رابطه می‌شود که حاصل میل همزمان با عدم توانایی وی برای پایان دادن به آن رابطه است. در همین

راستا مشارکت‌کننده مرد ۳۴ ساله مجرد نیز می‌گوید:

«تناقض در کلام و رفتار کاملاً باعث ایجاد شک و تردید می‌شود. هنگامی که واقعیت و شواهد بر خلاف گفته‌های او بود، شک و تردید من دوچندان می‌شد و این مرا آزار می‌داد. دیگر می‌دانستم که او همان فردی که رابطه را با یکدیگر شروع کردیم نیست و کاملاً تغییر کرده است.»

## محتوا

در بستری که بنا به شرایطی مانند ضعف‌های شخصیتی و روانی و احساسات و رفتار غیرمنطقی، زمینه‌ساز خیانت افراد می‌شود، نهایتاً منتج به واکنش‌های متفاوتی از سوی شریک عاطفی و جنسی می‌گردد. فرد آسیب‌دیده در این دسته از روابط ممکن است بنا به شرایطی که در آن قرار گرفته و نظر به نوع نگرش و تصمیمی که بعد از حصول اطمینان از خیانت حاصل می‌کند، واکنش‌های متفاوتی را ارائه دهد. در این پژوهش آنچه از سوی مشارکت‌کنندگان ابراز شد بر این نکته تاکید داشت که آن‌ها در جهت خودکنترلی عقلانی و غیراحساسی سعی در مواجهه منطقی با خیانت و فردی که به آن‌ها خیانت کرده است، دارند. مقولاتی مانند «کنترل واکنش هیجانی و عصبی»، «احتیاط در اعتماد کرد به سایرین» و «بازبینی نحوه برقراری ارتباط» در راستای توضیح این مقوله شکل گرفته‌اند.

واکنش افراد در قبال کنش خیانت از سوی شریک عاطفی و جنسی‌شان، تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارند. تجربه خیانت، از سخت‌ترین شرایطی است که فرد می‌تواند در آن قرار بگیرد. ازین‌رو اگر فرد تدبیر درستی در آن لحظه نتواند بیاندیشد، ممکن است کنش هیجانی خطیری را برگزیند. بسیاری از جرائمی که در سطح نهاد خانواده رخ داده است، به خیانت یکی از زوجین ختم می‌شود و ذاتاً خیانت یکی از زوجین یا شریک عاطفی، توانایی بالقوه بسترسازی برای ارتکاب به جرم را دارد. در چنان لحظه‌ای که فرد خیانت شریکش را تجربه می‌کند، می‌تواند کنش معقولانه، خشن و یا منفعلانه را برگزیند و به نحوی به شرایطی که در آن قرار گرفته است، پاسخ دهد. در همین راستا مشارکت‌کننده زن ۲۲ ساله مجرد می‌گوید:

«بعد از مشاهده خیانت سعی کردم عصبانیتم را کنترل کنم. اما بسیار ناراحت شدم و با بی‌تفاوتی او را ترک کردم.»

مشارکت‌کننده زن ۳۳ ساله مجرد نیز می‌گوید:

«بعد از اینکه خیانت شریک عاطفی‌ام به من ثابت شد، بسیار سخت بود که عصبانیت خود را کنترل کنم و واکنش هیجانی و غیرمنطقی‌ای بروز ندهم اما کمی که گذشت آتشم فرونشست و سعی کردم او را به حال خودش رها کنم.»

آنچه که بعد از تجربه خیانت برای افراد می‌ماند نیز می‌تواند تفاوت‌های ماهوی قابل توجهی داشته باشد. آنچه تاکید موکد این پژوهش بود، درک نقش تجربه خیانت در اعتماد بین افراد در شرایط پاسخ‌خیانت بوده است. غالب مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز از نقش غیرقابل انکار تجربه خیانت بر بازنگری سبک اعتمادکردن خود به افراد و رعایت جانب احتیاط سخن رانده‌اند. مشارکت‌کننده زن ۲۲ ساله مجرد می‌گوید:

«بعد از تجربه خیانت هرگز مثل قبل نتوانستم به کسی اعتماد کنم. تمام سعی من این بود که در ارتباط گرفتن با دیگران بخصوص جنس مخالف محتاطانه رفتار کنم. تجربه خیانت این درس را به من داد که دیگر به کسی اعتماد نکنم.»

مشارکت‌کننده مرد ۲۲ ساله مجرد نیز می‌گوید:

«بعد از تجربه خیانت من باز هم نتوانستم به افراد دیگر اعتماد کنم اما این بار با احتیاط و دقت بسیار بیشتری.»

مشارکت‌کننده زن ۲۹ ساله مجرد می‌گوید:

«درسی که خیانت به من داد این بود که در مراحل بعدی زندگی و روابطی که با سایر افراد برقرار می‌کنم، با چشم باز و دقت نظر بالاتری تصمیم بگیرم و اشتباه قبلی‌ام را تکرار نکنم».

### خاتمه

این بخش از یافته‌ها به ماحصل فرایندی می‌پردازد که ذیل شرایط فوق بدست آمده است. همانطور که اشاره شد، در بستری که بنابه احساسات متزلزل و غیرمنطقی شکل می‌گیرد و توام با ضعف‌های شخصیتی و روانی و بروز رفتارهای متفاوت و عجیب تقویت می‌شود، خیانت به شریک عاطفی یا جنسی رخ می‌دهد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش بر الزام خودکنترلی بعد از مواجه با خیانت تاکید داشتند و ابراز کردند که نتایج و آثار برخاسته خیانت شریک عاطفی و جنسی‌شان می‌تواند برای‌شان ابعاد گسترده فردی و اجتماعی داشته باشد. مقولاتی که در این بخش به ما کمک می‌کند تا واضح‌تر به شرح و بسط پیامدهای ناشی از خیانت عاطفی یا جنسی بپردازیم، شامل «ترجیح جدایی بر دوام رابطه»، «شکلگیری ذهنیت شکاک در فرد خیانت‌دیده» و «تغییر نگرش کلی نسبت به روابط عاطفی» می‌باشد.

مشارکت‌کننده مرد ۲۵ ساله مجرد می‌گوید:

«تصور اینکه بتوان با کسی که به آدم خیانت کرده است، ادامه داد برای من غیر ممکن است. قطعاً اولین واکنش من نسبت به خیانت طرف مقابلم این است که آن رابطه را برای همیشه ترک خواهم کرد».

مشارکت‌کننده زن ۲۶ ساله مجرد می‌گوید:

«تنها کاری که می‌توانستم در مقابل خیانتی که به من شده بود انجام بدهم این بود که آرامش خودم را حفظ کنم و از او جدا شده و به آن رابطه پایان بدهم».

مشارکت‌کننده زن ۲۹ ساله مجرد می‌گوید:

«آنچه بعد از تجربه خیانت برای من باقی ماند، ذهن شکاکی بود که هیچگاه نتوانستم از آن رهایی یابم. دیگر اعتماد کردن به انسان‌ها برایم غیر ممکن شده بود و در زندگی اجتماعی هم دچار مشکل شده بودم».

مشارکت‌کننده مرد ۳۴ ساله مجرد می‌گوید:

«تجربه خیانت به حد زیادی توانست نگرش اولیه مرا نسبت به افرا خدشه‌دار کند و گاهی روشن‌بینی اولیه را به سمت بدبینی سوق بدهد».

مشارکت‌کننده زن ۳۶ ساله مجرد می‌گوید:

«خودم را نمی‌توانم در رابطه عاطفی دیگری ببینم. دیگر روابط عاطفی برای من به معنای لحظات پر از احساس و عاطفه و شور شوق نیست. ترس از اینکه نکند دوباره به من خیانت شود، نمی‌گذارد که خودم را برای یک رابطه دیگر آماده کنم».

مشارکت‌کننده زن ۲۰ ساله مجرد می‌گوید:

«بعد از تجربه خیانت در رابطه‌ای که داشتم، تصورم بطور کلی درباره اینگونه روابط تغییر کرد».

### نتیجه‌گیری

خیانت در روابطی که بنابه مقولات احساسی و عاطفی شکل گرفته‌اند، می‌تواند آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیاری را برای طرفین یک رابطه به بار آورد. از آنجایی که شالوده این روابط - چه در قالب روابط زناشویی و چه در قالب روابط خارج از ازدواج - بر احساس و عاطفه بنا شده است و ممکن با رابطه جنسی نیز همراه شود، ازین رو می‌تواند میزان تعهد



طرفین به این رابطه را بیش از پیش حساس و حیاتی جلوه دهد. آنگاه که فرد برای پایداری این رابطه از هزینه‌کردن احساسات و عواطف و همچنین در اختیار گذاشتن بدن و یا هزینه‌کردن سرمایه مالی خود دریغ نمی‌کند، بدین معناست که کمترین توقع خود را بر وفاداری شریک خود استوار کرده است. در چنین حالتی، همانطور که کیانی و همکارانش (۲۰۱۶) اشاره کردند، در صورت بروز خیانت عاطفی و یا جنسی که متضمن نادیده گرفتن شریک عاطفی است، می‌تواند مشکلات روحی و روانی بسیاری را برای فرد ایجاد کند. آنچه که می‌تواند به موازات زمان، کلیت یک جامعه را نیز مورد تهدید جدی قرار دهد، عادی‌سازی و افزایش خیانت بین زوجین و یا شرکای عاطفی در جامعه است. حجم بسیاری زیادی از بی‌اعتمادی حاصل از شکست در روابط عاطفی و زناشویی باعث می‌شود که طیف گسترده‌ای از افرادی که خود را در معرض بیشترین آسیب ممکن در صورت ورود به یک رابطه جدید می‌دانند، شکل بگیرد. ازین رو علی‌رغم سایر مشکلات فردی ناشی از خیانت، با اعتماد از دست رفته‌ای رو به رو خواهیم شد که امکان زیست بی‌دغدغه، سالم و قابل اعتماد را از جامعه سلب می‌کند.

نظر به این باور جامعه‌شناسانه که بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یکدیگر، جوامع به سوی تجزیه شدن و فروپاشی سوق داده می‌شوند، می‌توان نقش اعتماد آسیب‌دیده‌ای که حاصل یک رابطه ناموفق است را در از دست رفتن اعتماد بین فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد به وضوح مشاهده کرد. کارکردهای متعدد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مقوله اعتماد، نقش مهم این مقوله را در زندگی فردی و اجتماعی انسان نشان می‌دهد. اعتماد در روابط شخصی باعث ایجاد ارتباطات دوستانه توأم با احترام و صمیمیت، گذشت و تحمل دو جانبه، همراه با آرامش و بدون نگرانی و تردید می‌شود و رفتارهای تدافعی را به حداقل می‌رساند. از سوی دیگر، اعتماد مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد. «اعتماد اجتماعی» را می‌توان مهم‌ترین مولفه سرمایه اجتماعی و یکی از عناصر اساسی نظم در جامعه دانست. این متغیر هم یک عامل بهداشت روانی و هم یک فضیلت اجتماعی ضروری است که مهم‌ترین شکل آن نیز اعتماد تعمیم یافته است.

این پژوهش بنابه‌جاء مطالعه زمینه‌های خیانت عاطفی و جنسی در شهر زاهدان با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۳۲ نفر از جوانان شهرستان زاهدان انجام شد. شیوه تحلیل یافته‌های این پژوهش، مطابق روش بروان و کلارک و با در نظر داشتن هم‌زمانی گردآوری اطلاعات و تحلیل شامل مراحل ذیل است: آشنایی با متن، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، مرور و تعریف مضامین با استفاده از مفاهیم شکل دهنده آن‌ها و در نهایت گزارش یافته‌ها.

آنچه از دل این پژوهش بدست آمد بر این نکته تاکید می‌کند که شکلگیری روابط عاطفی بین فردی بنا به احساسات متزلزل، گذرا و آنی، آنگاه که توأم با ضعف‌های نهادی، شخصیتی و روانی یکی از طرفین باشد، می‌تواند بسیار به تجربه خیانت نزدیک شود. بروز رفتارهای

غیرمعمول و غیرعادی توسط افراد طی این روابط به میزان بسیار زیادی فرد مقابل را به مستعد بودن وی به خیانت و یا ارتکاب وی مشکوک می‌کند. نهایتاً ارتکاب خیانت در روابط زناشویی و یا عاطفی، افراد را مجاب به خودکنترلی و تلاش برای تسلط بر هیجانات ناشی از خشم، تحقیر و نادیده گرفته شدن می‌کند. بدیهی است، نظر به روایت مشارکت‌کنندگان، تجربه خیانت باعث می‌شود تا فرد راهی جز خروج از آن رابطه نداشته باشد و معمولاً ابقای آن رابطه غیرممکن یا بسیار سخت و با چالش‌های قابل توجه خواهد بود. اینجاست که خیانت دیدم منجر به شکلگیری یک تجربه تلخ عاطفی خواهد شد که منجر به صدمه دیدن اعتماد فرد خیانت‌دیده خواهد شد، به گونه‌ای که اعتماد کردن دیگر برای وی آسان نیست و سنجه‌های جدید و متفاوتی را برای اعتماد به افراد در نظر خواهد گرفت. آنچه از این پژوهش برآمد نیز بیانگر این بود که اکثر افرادی که تجربه خیانت دیدن را ذیل روابط عاطفی خود دارند، بطور قابل توجهی با مسئله عدم توانایی در اعتماد کردن، خدشه‌دار شدن اعتماد اجتماعی، شکاک شدن و بدبینی، احتیاط در معاشرت و ارتباطات با سایرین و اختلالات جدی‌ای با شریک عاطفی خود مواجه می‌شوند که می‌تواند زمینه جدایی و طلاق را نیز فراهم کند.

## منابع

- ۱) اسپرینگ، آ.، و اسپرینگ، م. (۱۳۹۳)، *پیوند زخم‌خورده*، ترجمه م. فرجی. تهران: انتشارات رشد.
- ۲) آنسلم استراس، جولیتام. کورین، (۱۳۹۰)، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه: بیوک محمدی، ج ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳) شریفی ساعی، محمدحسین. (۱۴۰۲). پیامدهای خیانت زناشویی در ایران؛ مطالعه فراترکیب. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر (علمی - پژوهشی)*، ۱۲(۲۲)، ۱۶۵-۲۰۴. doi: 10.22084/csr.2023.26768.2148
- ۴) فلاحیان، حسین؛ میکائیلی، نیلوفر؛ یوسفی مریدانی، متین، (۱۳۹۸)، *پیشینی روابط فرا زناشویی بر اساس کیفیت عشق، سبک‌های حل تعارض زوجین و تعهد زناشویی. فصلنامه آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده*، سال پنجم بهار و تابستان، شماره ۱، ص ۷۶-۵۹.
- ۵) فیلیک، اووه. (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی.
- ۶) علوی زاده، فرانک، شاکریان، عطا (۱۳۹۵)، *درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش علائم استرس، اضطراب و افسردگی زنان دارای تجربه روابط فرا زناشویی (عاطفی، جنسی)*، *نشریه روان‌پرستاری*، دوره ۴، شماره ۶، صص ۱۴-۸.
- ۷) کاوه، س. (۱۳۸۷)، *همسران و بی‌وفایی و خیانت*. تهران: انتشارات سخن.

- ۸) کرسول، جان دبلیو. (۱۳۹۷)، طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی، ترجمه: علیرضا کیامنش، تهران: جهاددانشگاهی علامه.
- ۹) کرمی، ج.، زکی، ع.، محمدی، ا.، و حق شناس، ش. (۱۳۹۴)، نقش عوامل روانی اجتماعی در پیش‌بینی نگرش به روابط خارج از چارچوب زناشویی در زنان متأهل و ارائه یک مدل بر اساس عوامل مرتبط، *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۲۹-۱۵۲، ۱۳(۳).
- ۱۰) لشگری، مهدی، (۱۳۹۷)، بررسی مروری عوامل موثر در بروز روابط فرازناشویی در افراد متأهل، سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات.
- ۱۱) نریمان زهرا، آقای جوشقانی اصغر، فرهادی هادی. مقایسه اعتیاد به عشق و سازش‌یافتگی زناشویی در متأهلین با و بدون روابط فرازناشویی. *فصلنامه علمی پژوهشی علوم روانشناختی*، ۱۳۹۹؛ ۱۹ (۸۹): ۶۴۶-۶۳۹.
- ۱۲) نعمتیان، ساره؛ نوغانی، محسن؛ ماسوله، اصغرپور، احمدرضا. (۱۳۹۴)، چپستی و چرایی روش تحلیل روایت، سومین کنفرانس جامعه‌شناسی علوم اجتماعی، تهران.
- 13) Adam, A. (2019). Perceptions of Infidelity: A Comparison of Sexual, Emotional, Cyber-, and Parasocial Behaviors. *Interpersona: An International Journal on Personal Relationships*, 13(2), 237-252. <https://doi.org/10.5964/ijpr.v13i2.376>
- 14) Adamopoulou, E. (2013). *New facts on infidelity. Economics Letters*. 121(3): 458-462.
- 15) Amato, P. R., & Previti, D. (2003). People's reasons for divorcing: Gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of Family Issues*, 24(5), 602-626. <https://doi.org/10.1177/0192513X03024005002>.
- 16) Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships II: A substantive review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31(2), 217-233. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2005.tb01556.x>.
- 17) Brase, G. L., Adair, L., & Monk, K. (2014). Explaining sex differences in reactions to relationship infidelities: Comparisons of the roles of sex, gender, beliefs, attachment, and sociosexual orientation. *Evolutionary Psychology*, 12(1), 73-96. <https://doi.org/10.1177/147470491401200106>.
- 18) Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: Vol. 2. Separation: Anxiety and anger*. Basic Books.
- 19) Cann, A., Mangum, J. L., & Wells, M. (2001). Distress in response to relationship infidelity: The roles of gender and attitudes about relationships. *Journal of Sex Research*, 38(3), 185-190. <https://doi.org/10.1080/00224490109552087>.

- 20) Drigotas, S.M., Safstrom, C.A. & Gentilia, T. (1999). An investment model prediction of dating infidelity. *Personality & Social Psychology*. 77: 509-524.
- 21) Drigotas, S. M., & Barta, W. (2001). The cheating heart: Scientific explorations of infidelity. *Current Directions in Psychological Science*, 10(5), 177-180. <https://doi.org/10.1111/1467-8721.00143>.
- 22) Feldman, S., & Cauffman, E. (1999). Your cheating' heart: Attitudes, behaviours, and correlates of sexual betrayal in late adolescents. *Research on Adolescence*, 9(13) 227-253.
- 23) Greenberg, L. J., Warwar, S., & Malcoolm, W. (2010). Emotion-focused couples therapy and the facilitation of forgiveness. *Journal of Marital and Family Therapy*. 36(1), 28- 42.
- 24) Griffin, L. (1998). "Narrative, event structure analysis and causal interpretation in historical sociology", *The American Journal of Sociology*, Vol. 98 (5): PP 94-88.
- 25) Kelley, H. H., Berscheid, E., Christensen, A., Harvey, J. H., Huston, T. L., Levinger, G., ... & Peterson, D. R. (1983). *Close relationships*. W. H. Freeman.
- 26) Kline, N. K., & Palm Reed, K. M. (2021). Betrayal vs. nonbetrayal trauma: Examining the different effects of social support and emotion regulation on PTSD symptom severity. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*, 13(7), 802–809. <https://doi.org/10.1037/tra0000983>.
- 27) Lee, Wing-Shing and Selart,(2015). Marcus, How Betrayal Affects Emotions and Subsequent Trust. *The Open Psychology Journal*, 8, 153-159, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2710126>.
- 28) Lewandowski, G. W., & Ackerman, R. A. (2006). Something's missing: Need fulfillment and self-expansion as predictors of susceptibility to infidelity. *Journal of Social Psychology*, 146(4), 389-403.
- 29) Loudova, I., Janis, k. & Havige, J. (2015). Infidelity as a Threatening Factor to the Existence of the Family. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 106: 1462-1469.
- 30) Luce, MF.(1984). Choosing to avoid: coping with negatively emotionladen consumer decisions. *J Consum Res*: 24; 409-33.
- 31) Maphosa, S., Mutandwa, ph., & Nyamayaro, A. (2017). Infidelity Appetite: Psychological Factors Influencing Married Women to Engage in Extra-marital Affairs. *International Journal of Innovative Research and Development*, 6 (1), 46-52.
- 32) Riesman, Catherine K. (2110). *Analysis of personal narratives*. PP 695-701 in J. F. Gurbium & J. A. Holstein, eds. , *Handbook of Interview Research*. London: Sage Publications.
- 33) Robinson SL, Morrison EW. (2000). The development of psychological contract breach and violation: a longitudinal study. *J Organ Behav*; 21: 525-46.

- 34) Rokach A, Philibert-Lignières G. (2015). Intimacy, loneliness and infidelity. *The Open Psychology Journal*. 8: 71-77.
- 35) Rusbult, C. E., Martz, J. M., & Agnew, C. R. (1998). The investment model scale: Measuring commitment level, satisfaction level, quality of alternatives, and investment size. *Personal Relationships*, 5(4), 357-391.
- 36) Shackelford, T. K., LeBlanc, G. J., & Drass, E. (2000). Emotional reactions to infidelity *Cognition & Emotion*, 14 (5) 643-659.
- 37) Shackelford, T. K., Buss, D. M., & Bennett, K. (2002). Forgiveness or breakup: Sex differences in responses to a partner's infidelity. *Cognition and Emotion*, 16(2), 299-307. <https://doi.org/10.1080/02699930143000202>
- 38) Schnarre, P., & Adam, A. (2017). Parasocial romances as infidelity: Comparing perceptions of real-life, online, and parasocial extradyadic relationships. *Journal of the Indiana Academy of Social Sciences*, 20, 82-93. <https://digitalcommons.butler.edu/jiass/vol20/iss1/9>.
- 39) Schneider, J. P. (2000). Effects of cybersex addiction on the family: Results of a survey. *Sexual Addiction & Compulsivity*, 7, 31-58. <https://doi.org/10.1080/10720160008400206>.
- 40) Schneider, J. P., Weiss, R., & Samenow, C. (2012). Is it really cheating? Understanding the emotional reactions and clinical treatment of spouses and partners affected by cybersex infidelity. *Sexual Addiction & Compulsivity*, 19(1-2), 123-139. <https://doi.org/10.1080/10720162.2012.658344>.
- 41) Sheppard, V. J., Nelson, E. S., & Andreoli-Mathie, V. (1995). Dating relationships and infidelity: Attitudes and behaviors. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 21(3), 202-212. <https://doi.org/10.1080/00926239508404399>.
- 42) Thompson, E. (1978). *The poverty of theory and other essays*, London: Merlin.
- 43) Treger, S., & Sprecher, S. (2011). The influences of sociosexuality and attachment style on reactions to emotional versus sexual infidelity. *Journal of Sex Research*, 48(5), 413-422. <https://doi.org/10.1080/00224499.2010.516845>.
- 44) Weiser, Dana A. & Weige, Daniel J. (2015). Investigating experiences of the infidelity partner: Who is the "Other Man/Woman"? *Personality and Individual Differences*. 85: 176-181.
- 45) Williams, M. L. (2012) *Romantic Love Communication: Examination of Equity and Effects on Relational, Sexual, and Communication Satisfaction*. Phd thesis, Philosophy Department, College of Communication and Information, Ohio, Kent State University.
- 46) Whitty, M. T. (2003). Pushing the wrong buttons: Men's and women's attitudes toward online and offline infidelity. *Cyberpsychology & Behavior*, 6(6), 569-579. <https://doi.org/10.1089/109493103322725342>.

- 47) Whitty, M. T. (2005). The realness of cybercheating: Men's and women's representations of unfaithful Internet relationships. *Social Science Computer Review*, 23(1), 57-67. <https://doi.org/10.1177/0894439304271536>.
- 48) Wilson, K., Mattingly, B. A., Clark, E. M., Weidler, D. J., & Bequette, A. W. (2011). The gray area: Exploring attitudes toward infidelity and the development of the Perceptions of Dating Infidelity Scale. *The Journal of Social Psychology*, 151(1), 63-86. <https://doi.org/10.1080/00224540903366750>.

نسخه  
پیش  
انتشار